در «نوجوانه» بخوانید:
لذت خواندن در عصر حواس پرتی

گفت‌وگو با محسن هاشمی
دولت در امور شورا دخالت می‌کند

جام جم
روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
www.jamejamdaily.ir
پنجشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ | ۱۶ رمضان ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۹۲۶ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Thursday - April 29, 2021

۱۸

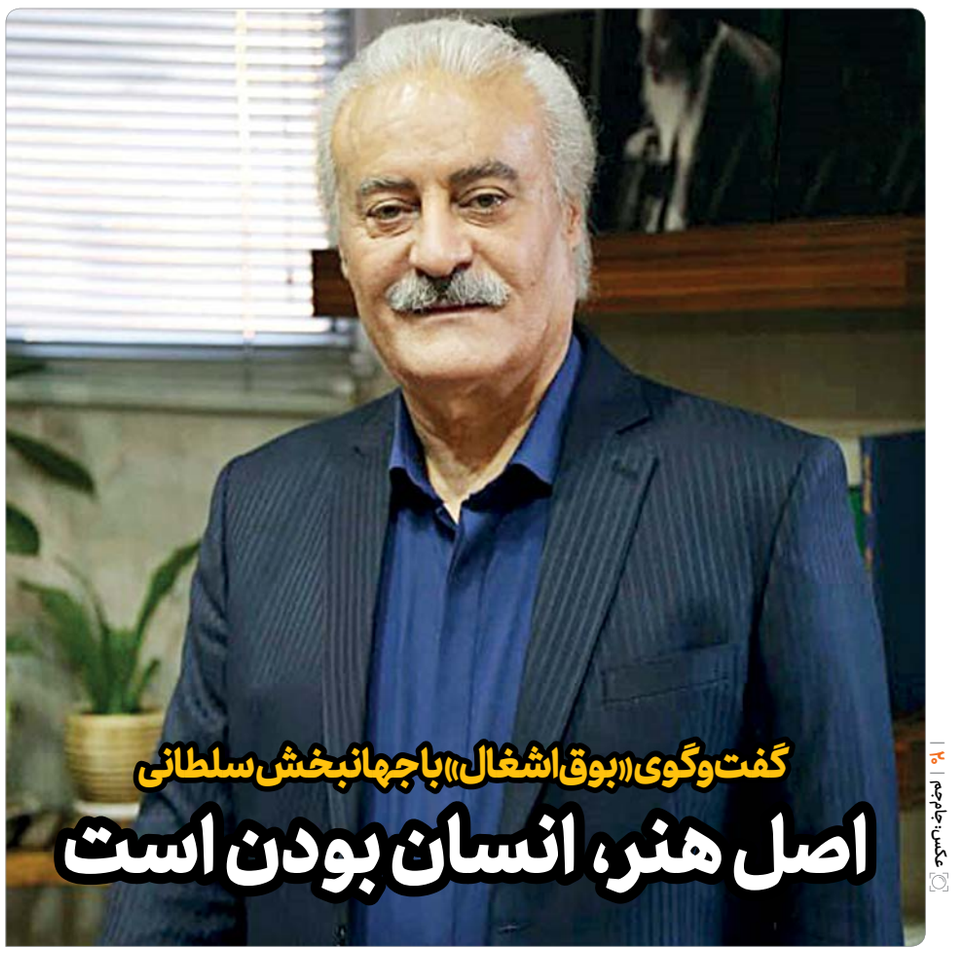

گفت‌وگوی «بوق اشغال» با جهانبخش سلطانی

اصل هنر، انسان بودن است

۱۰

عکس: جام جم

در فایل صوتی مصاحبه ظریف چه پیامدهایی برای دولت، سیاست خارجی مذاکرات وین و تحولات داخلی دارد؟

پیامدهای یک انفجار صوتی

دکتر محمد مرندی: سخنان پر از تناقض وزیر خارجه لطمه‌ای جدی به سیاست خارجی وارد و موضع ما را در میز مذاکره تضعیف کرد

۲

ویژه‌ها

بعد از یک دوره کمیاب شدن کاغذ، آیا موج دیگری از گرانی کاغذ مطبوعات در راه است؟

بحران کاغذ معطل تصمیم دولت

بحران کاغذ دوباره گریبان روزنامه‌های کشور را گرفته است اما این‌بار ماجرا به گران شدن قیمت کاغذ ختم نمی‌شود، داستان این روزها درباره کمبود کاغذ است و دغدغه مدیران مطبوعاتی که برای تامین کاغذ مورد نیازشان لنگ مانده‌اند. دست‌کم از یك دهه پیش بحران کاغذ پا برجاست و بارها به بزنگاه‌های این‌چنینی رسیده و همیشه راهکارهای مقطعی فرصتی برای تنفس تا بحران بعدی فراهم کرده...

۱۰

یادنامه‌ای برای بازیگران مرحومی که نامشان با آثار ماه رمضانی گره خورده است

مهمان‌های قدیمی سفره افطار

۶

گرانی و کمبود شکر، باعث شده مردم برای تهیه این کالا با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند

کام بازار شکر تلخ شد

پس از گرانی و سهمیه‌بندی برای فروش لاستیک، مرغ و روغن این‌بار نوبت به شکر رسیده و علاوه بر گرانی، در بازار نایاب شده است. درحالی که برای واردات شکر ارز نیمایی تعلق می‌گیرد و نرخ این ارز همچنان در حال کاهش است اما بررسی خبرنگار ما نشان می‌دهد این محصول در بازار نایاب شده و با قیمت‌های گزاف به فروش می‌رسد. برخی فعالان بازار معتقدند مشکل گرانی شکر دونرخی بودن آن است و برخی دیگر می‌گویند...

۳

گفت‌وگو با علی علیپور، ستاره ایرانی تیم ماریتیموی پرتغال که پایش به گلزنی باز شده است

مسوولیتم سنگین‌تر شد

۱۷

اظهارات ولیعهد عربستان سعودی درباره همکاری با ایران چگونه قابل تحلیل است؟

در آستانه دور برگردان

۸

در پنجمین شماره «هفتگ جام جم» سراغ یتیم‌خانه‌ها و روایت حامیان ایتام رفته‌ایم

ماه، بالای سر تنهایی

۱۳

یادداشت

دستکاری در بودجه از شایعه تا واقعیت

محمدرضا میرتاج‌الدینی
نایب‌رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

در روزهای اخیر شاهد طرح مباحثی مبنی بر دستکاری هیات رئیسه مجلس در جداول بودجه هستیم که پایه و اساس درستی ندارد.

بودجه را هیات رئیسه کمیسیون تلفیق و رئیس این کمیسیون تنظیم و نهایی کرده و با دولت هم درباره جزئیات جداول صحبت می‌کنند. نه در گذشته و نه در این مجلس، هیچ وقت بودجه در اختیار رئیس مجلس نبوده که او بخواهد در این لایحه دستکاری کند. رئیس مجلس، همیشه یکسری توصیه‌های کلی درباره بودجه دارد و اگر موارد خاصی هم باشد آنها را به کمیسیون تلفیق ارائه می‌کند. در این مورد هم قبل از این‌که بودجه نهایی شود این گفت‌وگوها و نشست‌ها برگزار شده است و در مجموع، تطبیق مصوبات مجلس و پیاده‌سازی آن در جداول در کمیسیون تلفیق طولانی شد و البته این یک ضعف برای هیات رئیسه کمیسیون تلفیق بود، زیرا نباید اینقدر این جلسات طولانی می‌شد که به این حرف و حدیث‌ها بینجامد. معمولا در همان دوهفته اول بررسی بودجه، این بحث‌ها نهایی می‌شود اما درباره لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، بررسی‌ها طولانی‌تر شد و در واقع تطبیق مصوبات مجلس و وارد کردن آنها در جداول بودجه به درازا کشید. بخشی از دلیل این مساله هم این بود که نمایندگان مصوباتی داشتند که باید آثار آن در جداول بودجه آشکار می‌شد که این کار انجام نشده بود و هیات رئیسه کمیسیون تلفیق این کار را انجام داد.

بنابراین طرح مباحثی مبنی بر این‌که هیات رئیسه مجلس در جداول بودجه دستکاری کرده و ارقام را کم و زیاد کرده است درست نیست. البته بعضی از دوستان به دلیل ابهام داشتن، سوالاتی در این زمینه مطرح کردند اما این به آن معنی نیست که در این زمینه نظر قطعی داده باشند. بنابراین خوب است که کمیسیون تلفیق و رئیس آن آقای نادران توضیحات کاملی در این باره بدهند و حرف و حدیث‌ها را پایان دهند.

از نظر شخص من و با سابقه فعالیتی که در مجلس داشته‌ام به اتفاقاتی که امسال درباره بودجه در کمیسیون تلفیق افتاده است دستکاری در جداول بودجه اطلاق نمی‌شود، اما این مطلب را اعضای کمیسیون تلفیق و رئیس آن باید به صورت کاملا شفاف و روشن توضیح بدهند تا هیچ ابهامی باقی نماند. اعضای کمیسیون تلفیق با روشنگری خود باید توضیح بدهند که چرا تطبیق‌ها یکی دو هفته بیشتر از حد معمول طول کشید و این مباحث ایجاد شد. متاسفانه بعضی از دوستان ما در مجلس موقعیت‌شناس نیستند و با قصد این‌که مثلا شوکی به رقبای خودشان در مجلس وارد کنند بحثی را مطرح می‌کنند غافل از این‌که با این حرف‌ها کل مجلس را زیر سوال می‌برند. بعضی از دوستان به دلیل مخالفتی که ممکن است با شخص آقای قالیباف داشته باشند چنین مباحثی را دامن می‌زنند اما این حرف‌ها درست نیست و بیشتر به خودزنی شبیه است و مجلس را زیر سوال می‌برد.

تمام کسانی که سابقه فعالیت در مجلس و کمیسیون تلفیق را دارند، می‌دانند که تنظیم جداول بودجه، کاری زمانبر است و همین مساله باعث ایجاد برخی ابهامات شده است و البته همان طور که گفتم اعضای کمیسیون تلفیق باید با روشنگری در این زمینه هیچ ابهامی باقی نگذارند.

زیر آسمان کابل

نامه‌ای به یک استاندار نگران

محمدحسین جعفریان
کارشناس ارشد مسائل افغانستان

شما در هر چیزی که تخصص داشته باشید، جهان را از همان پنجره می‌بینید. البته لزوما صادق نیست، اما رایج است. من یک لیست دارم. کتاب‌هایی که امیدوارم پیش از مرگم نوشته باشم. سه چهار عنوان بیشتر نیستند. اما احساس می‌کنم مرگ زیادی نزدیک شده است. پس فکر کردم به یکی از آنها اشاره کنم. شاید اگر مرگ مهربان آمد و من هنوز دست به قلم نشده بودم، شخص دیگری که صلاحیتش را دارد، بنویسد. درس‌هایی که باید از افغانستان بیاموزیم. عنوانش این نیست. موضوعش این است. کتاب پر و پیمانی خواهد شد. البته حتما نویسنده باید آن سرزمین را خوب بشناسد. نه این‌که چند سال آنجا مدیر و سفیر و اجیر بوده باشد. نه! باید آن جغرافیا، آن مردم، آن کوه‌های بلند و ریگزارهای بی‌پایان، آن بزهای تکه‌تکه شده و اسب‌های خشمگین «دربزکشی» را بشناسد. عاشق طعم شورچای باشد. رقص اتن را بلد باشد. هم با «خوشحال خان»، هم «سرآهنگ»، هم «امان‌ا... خان»، هم «ملاعمر»، هم «زریاب» و هم «بچه سقو» و... یکجا عجین باشد. ریتم «قرصک» را بتواند سوت بزند و.... بگذریم.

اگر من بمیرم و چنین کسی در سرزمینم پیدا شود، آن کتاب را خواهد نوشت. فصل اول چنین کتابی بی‌شک درباره اقوام و اثرات قوم‌گرایی در افغانستان خواهد بود. بیماری هولناکی که برای آن دیار، مادرزادی است. زیرا از اولین روز استقلال به آن مبتلا شده است. حالا چنان این ویروس منحوس در تمام اندام این سرزمین مظلوم ریشه دوانده، که عن‌قریب نفسش را ببرد. کشوری که باید سوئیس آسیا می‌بود، اکنون یک خرابه خونین است. چون در نقاط عطف تاریخ، برای حکام آن دیار و بسیاری از مردم، قوم من، ولایت من، دره من، دهکده من و... بر ملت و کشور من ارجحیت داشته است. تا جایی که حتی در اوج جنگ و در آستانه فروپاشی مملکت، رئیس جمهوری اولویتش حذف واژه «دانشگاه» از تابلوی مراکز آموزش عالی و جایگزین کردن واژه قوم خودش باشد. باور کنید مزاح نمی‌کنم.

حالا در اینجا یک معلم مدرسه یک شوخی معمولی می‌کند با شاعری، بعد چند مسوول که شاید بزحمت نام ۱۰ شاعر وطن‌شان را حفظ باشند، رگ گردن‌شان باد می‌کند و مدعی می‌شوند به قوم و ولایت آنها اهانت شده است. اما همان‌ها وقتی پرچم بیگانه را عده‌ای فرصت‌طلب در شهرشان بالا بردند، لال بودند. همان‌ها وقتی در ورزشگاه‌شان معدودی جاهل سرود «خلیج عربی» خواندند، فقط رگ خواب‌شان جنبید. همان‌ها وقتی رئیس جمهوری کشور همسایه، ایرانیان را دزد خطاب کرد، خمیازه کشیدند. اما یک لغت را از دهان یک معلم مظلوم در شبکه‌ای کم‌مخاطب روی هوا زدند و بیانیه دادند. حیا کنید! بفهمید در حال بریدن چه شاخه‌ای هستید. بفهمید دارید چه آتشی بجان این مردم و این کشور می‌اندازید. کاش همه جا اینقدر غیرتتان غلیان داشت. به دردهای سرزمین و مردم افغانستان امروز بنگرید و از رفتارتان توبه کنید. این نمد که با آن کلاه می‌سازید خون‌آلود است. آقای استاندار! آقای نماینده مجلس! آقای دلسوز! رگ غیرتت را وقف کار برای مردم کن! نه سوءاستفاده از آنها. خدا را شکر، حتما ما چنین استاندارها و وکلایی نداریم ان‌شاءا...

درنگ

جایگاه قدیمی برنامه‌های سحر

حسن سلطانی
مجری و کارشناس

سحرها و برنامه‌هایی که ویژه آن ساخته می‌شوند، جزو برنامه‌های جاافتاده رسانه هستند، البته نه مثل الان که همه شبکه‌ها برنامه سحر دارند. چراکه قبل‌تر، سحرها معمولا تنها یکی دو شبکه برنامه داشتند که همه پای آن می‌نشستند. با این حال به قبل از این جریان که مراجعه می‌کنیم، رادیو جزو ملزومات همیشگی بود که در حدود ۵۰ سال گذشته سر سفره‌های سحری حضور داشت. می‌توان گفت از لحظه‌ای که مادر خانه بلند می‌شد تا سفره را آماده و بقیه را بیدار کند، رادیو اولین چیزی بود که آن را روشن می‌کردند و حتی خیلی از اعضای خانواده با صدای رادیو بیدار می‌شدند.

از همین رو، رسانه چه هنگام سحر و چه هنگام افطار هم حضور نوستالوژیك دارد و هم وجود و حضور آن، در همه مقاطع به شکل پررنگی مطرح بوده است. از اینجا به بعد به عوامل و برنامه‌سازان برمی‌گردد که چقدر آنچه که برای پخش تدارك می‌بینند، در راستای همان فضا و کسی است که با حال خوبش سحری را آماده و اعضای خانواده را بیدار می‌کند. خود این اتفاق یك معنویت است که باید به آن توجه شود. همان‌طور که می‌بینید، در بقیه روزهای سال این نگاه معنوی کمتر است، اما وقتی ماه رمضان می‌شود، غذایی که درست می‌کنند و پذیرایی‌هایی که اتفاق می‌افتد، همه رنگ و لعاب خدایی دارند.

حال اگر کسی که مخاطبانی دارد و عده‌ای برنامه‌اش را می‌شناسند، باور، اعتقادات، جنس نگاه و انجام وظیفه‌اش مثل همان مادری که خودش را موظف می‌کند، باشد و در راستای رشد و تعالی جامعه باشد، کاری کرده کارستان. البته این‌که چقدر توانسته‌ایم در این مسیر حرکت کنیم؟ سوالی است که باید شنوندگان و بینندگان بگویند.

اما در مورد حال و هوای این برنامه‌ها و فاکتورهایی که باید در آنها در نظر گرفته شود، بگذارید این طور بگویم ضرب‌المثلی است که می‌گوید یك ده آباد به از صد شهر خراب است. زمانی که همه، چه در سحر چه در افطار و چه در سریال‌سازی، از هم کپی می‌کنند؛ دیگر آن ابداع و این‌که هرکسی مخاطبانش را جلب کند، تا حدی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

مخاطب برنامه سحر با تمام برنامه‌ها فرق می‌کند، چراکه تمام برنامه‌هایی که در طول روز و شب پخش می‌شود، مخاطبان خودشان را به همراه بینندگان گذری هم دارند، اما برنامه سحر مخاطبانش گروه گروه بیدار می‌شوند. برخی گذری‌اند، برخی زمان کمی دارند و عده‌ای هم پای ثابت برنامه هستند. از همین رو باید برنامه‌هایی با بخش‌های زیر پنج دقیقه‌ای تدارك دیده شود و نمی‌توانید برنامه‌های طولانی را برای سحر در نظر بگیرید. مثلا جای سخنرانی‌هایی که زمان زیادی دارد، در سحر نیست و در آن زمان همه دل‌شان می‌خواهد آوا، مناجات و دعایی را با لحن دلنشینی که مناسب آن ساعت است، بشنوند و اگر اصول روانشناسی را در این فضا لحاظ کنیم، شاهد اتفاقات خوبی خواهیم بود.

دیدگاه

آقای ظریف قانون اساسی را دوباره بخوان

عباس مقتدایی
عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

در سال‌های گذشته رویکرد دیپلماسی با تفکر لیبرال دموکراسی در پی گسترش دایره نفوذ خود است و بر همین اساس یکی از رویکردها این است که دیپلماسی یعنی مذاکراتی که ما را به نتیجه برساند و باید عاری از مباحث ایدئولوژیک باشد. آنچه اکنون از زبان وزیرخارجه شنیده می‌شود نه تنها موضوع جدیدی نیست بلکه بیان تفکری است که سال‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش می‌کند جایی برای خود در ساختار حکومتی دست و پا کند و جمهوری اسلامی ایران نیز دست و دلبازانه به دنبال آن بوده تفکرات و دیدگاه‌های مختلف زمینه بروز و ظهور عملی در اداره کشور داشته باشند. نمونه آن را هم در مقطع تشکیل دولت موقت و هم در رویکردهای دولت فعلی می‌بینیم اما نکته مهم اینجاست که بخشی از این تفکرات با اساس انقلاب اسلامی ناسازگار است. رویکرد اسلامی ما بر اساس فصل دهم قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی، حمایت از مستضعفان جهان و نهضت‌های آزادیبخش و دفاع از آرمان‌های اسلامی است. رویکرد امت‌محوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی پذیرفته شده است. بنابراین اگر قرار باشد دستگاه دیپلماسی بر اساس رویکردهای سکولاری و لیبرال دموکراسی غربی اداره شود، عملا از مدار قانون اساسی خارج شده‌ایم. آنچه در مصاحبه آقای ظریف برجسته است این‌که ایشان درون ساختاری که قانون اساسی‌اش می‌گوید باید آرمان‌های اسلامی را در سراسر جهان مورد حمایت قرار دهیم، از رفتارهای سپهبد شهید قاسم سلیمانی که دقیقا بر اساس آرمان‌های اسلامی و مبانی قرآنی مندرج در قانون اساسی است، انتقاد می‌کند. این انتقاد اگر قرار بود به عنوان یک حق شهروندی بررسی شود یک معنا داشت اما به عنوان کسی که در یک ساختار حکومتی مسؤولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد، معنایی دیگر می‌یابد، گویی آقای ظریف بنایی بر عمل بر قانون اساسی ندارد. حرف صریح من به آقای ظریف این است که میدان و دیپلماسی در جمهوری اسلامی هر دو در یک جهت حرکت می‌کنند. اگر تصور می‌کنید جمهوری اسلامی باید بر اساس رویکردهای غیر اسلامی و منطبق با مفاهیم غیر امت‌محورانه عمل کند، جنابعالی از مفاهیم قانون اساسی عقب افتاده‌اید. توصیه من به آقای ظریف این است که دوباره قانون اساسی به‌ویژه مقدمه آن و فصل مربوط به سیاست خارجی را با دقت و جدیت بخواند.